

النظريات أو الأطروحات التي وضعت لتفسير الطفرة الثقافية للإنسان:

نظريه‌ها یا ایده‌پردازی‌هایی که برای تفسیر جهش فرهنگی انسان مطرح شده است :

لا يهمنا هنا أن نطرح نظرية تعلق ازدياد حجم الدماغ أو إمكانية استخدام هذا الدماغ في التفكير وصنع أدوات للصيد وما شابه، فهذا أمر قد تمت مناقشته سابقاً ولكن سنبين نظريات يتصور بعضهم أنها قادرة على تفسير ظهور وانتشار الثقافة الإنسانية بصورة مقبولة، والمفروض - والمطلوب منها - أن تفسر ظهور الثقافة وانتشارها ولا تتوقف عند تفسير تقليد ونقل الوحدات الثقافية بل لابد من تفسير بداية ظهور الثقافة الإنسانية المتخصصة وأهم عناصرها التي تركز عليها مثل المعايير الأخلاقية العليا كالإيثار الحقيقي غير المرتكز على أنانية جينية والعدل وحتى وصولاً إلى التنظيم وبناء الحضارة، وإلا فلو أن أطروحة عجزت عن تفسير ظهور الثقافة الإنسانية المتخصصة كالإيثار فستكون أطروحة فاشلة في تفسير الثقافة الإنسانية المتخصصة بلا ريب.

در اینجا ما به دنبال طرح یک نظریه درباره توضیح افزایش حجم مغز یا امکان استفاده از مغز در تفکر و ساخت ابزار شکار و مانند آن نیستیم، چرا که قبلاً در این خصوص بحث کردیم. اکنون ما نظریاتی را مطرح می‌کنیم که برخی تصور می‌کنند می‌توانند با آنها، نحوه پیدایش و انتشار فرهنگ انسانی را به صورت قابل قبول و پذیرفته شده - که هدف از این نظریات هم همین است - تفسیر کنند. البته این نظریات باید نحوه پیدایش و انتشار فرهنگ را توضیح دهند و در مرحله تفسیر آداب و سنتها و بازگویی مؤلفه‌های فرهنگی توقف نکنند. حتی باید نحوه شکل‌گیری فرهنگ انسانی ویژه را تبیین کرده و مهمترین عناصر پایه‌ای آن مانند معیارهای اخلاق والا

از قبیل ایثارگری واقعی که از خودخواهی ژن‌ها سرچشمه نمی‌گیرد، و عدل و دادرزی را تشریح نمایند و سرانجام به کمّ و کیف سازمان‌دهی و برپاداری تمدن برسند. زیرا در غیر این صورت، نظریه‌هایی که نتوانند پیدایش فرهنگ انسانی ویژه همچون ایثار را تفسیر کنند، قطعاً ایده‌پردازی‌هایی شکست‌خورده محسوب خواهند شد.

والآن، سنعرض لهذه الاطروحات ونرى كل واحدة منها وماذا يمكن أن تفسر وأين تقف عاجزة.

حال این نظریه‌ها را مطرح می‌نماییم و بررسی خواهیم کرد که هر یک از آنها چه موضوعی را تفسیر می‌کند و در چه مواردی شکست می‌خورد.
